



Quarterly Scientific Journal of *Islamic Perspective on Educational Science*
Vol. 12, No. 24, Spring 2024, *Research Article*

Modeling in Education based on the Personality Indicators of Martyr Soleimani with Emphasis on the View of the Supreme Leader of the Islamic Revolution

Maryam Brahman¹, Zahra Najafi Menesh²

DOI: 10.30497/ESI.2024.245004.1654



Abstract

Benefiting from role models is one of the effective factors in human education. Competent models leave a favorable and long-lasting effect on the various existential dimensions of people's personality. The aim of the current research is to examine the personality indicators of martyr Qassem Soleimani, emphasizing the view of the Supreme Leader of the Islamic Revolution, in order to set a model in education. The research has a qualitative approach and has been done with an Inductive method. Data analysis is qualitative content analysis of inductive type. In this regard, the Supreme Leader's statements about Sardar Soleimani's personality indicators were analyzed and put into various components. The findings indicate that their personality indicators can be classified under four general areas: the area of intellectual education including the components of thinking, being logical, tactful and intelligent, the area of religious and devotional education including the components of sincerity and honesty and avoiding pretense and hypocrisy, internal victory, maintaining piety and spirituality of holy defense in the following years, seeking martyrdom and striving, social, the field of political and revolutionary education including elements of hostility and recklessness of the enemy, loyal to Islam and the revolution, revolutionary, eminently trained Islam and the school of Imam Khomeini, the spirit of cooperation, neutralizing the plans of enemies, teaching resistance, great jihad and the field of moral and behavioral education including the components of courage, a symbol of hope and self-confidence, continuous effort during years of service, self-sacrifice and sacrifice. , taking care of preserving human lives and not violating them, and in addition to what we said, there is also a holistic indicator that in this indicator, different areas of education, including cognitive, intellectual, devotional education, social, political, revolutionary and moral education, behavior in a unified, coherent system and they are integrated. Therefore, he is a worthy educational model in terms of insight, orientation and action.

keywords: modeling, personality indicators, Shahid Soleimani, Supreme Leader of the Islamic Revolution.

1. Assistant Professor of the Department of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Corresponding Author). m.brahman@yahoo.com

2. Ph.D student in Philosophy of Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. znm1390@gmail.com

الگودهی در تربیت بر اساس شاخص‌های شخصیتی شهید سلیمانی با تأکید بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی

مریم برهمن^۱

زهرا نجفی‌منش^۲

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵

بهره‌مندی از الگو یکی از عوامل مؤثر بر تربیت انسان به‌شمار می‌آید و الگوهای شایسته، اثری مطلوب و ماندگار بر ابعاد مختلف وجودی و شخصیت افراد برجای می‌گذارند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی شاخص‌های شخصیتی شهید قاسم سلیمانی با تأکید بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، جهت الگودهی در تربیت بود. این پژوهش از لحاظ رویکرد، در زمره تحقیقات کیفی قرار داشته و تحلیل داده‌ها در آن نیز تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی بود. برای انجام‌دادن تحقیق، بیانات مقام معظم رهبری درباره شاخص‌های شخصیتی سردار سلیمانی بررسی شد و در قالب ساحت‌ها و مؤلفه‌های متعدد طبقه‌بندی گردید. بر اساس یافته‌های تحقیق، شاخص‌های شخصیتی سردار سلیمانی را ذیل چهار ساحت کلی بدین شرح می‌توان طبقه‌بندی کرد: ساحت تربیت عقلانی (شامل مؤلفه‌های فکر، منطقی‌بودن، و باوریت و هوشیاربودن)؛ ساحت تربیت اعتقادی و عبادی (شامل مؤلفه‌های اخلاص و صدق و دوری از تظاهر و ریا، پیروزی درونی، حفظ تقوا و معنویات دفاع مقدس در سال‌های بعد، شهادت‌طلبی و مجاهدت)؛ ساحت تربیت اجتماعی، سیاسی و انقلابی (شامل مؤلفه‌های دشمن‌شناسی و پروانداشتن از دشمن، وفاداری به اسلام و انقلاب، انقلابیگری، تربیت‌شده برجسته اسلام و مکتب امام خمینی (ره) بودن، برخورداری از روحیه تعاون، خشی‌کننده نقشه‌های دشمنان بودن، تعلیم‌دهنده مقاومت بودن و جهادگری بزرگ)؛ ساحت تربیت اخلاقی و رفتاری (شامل مؤلفه‌های شجاعت، نماد امید و اعتمادبه‌نفس بودن، تلاش بی‌وقفه در طول سالیان خدمت، ایثار و فداکاری، مراقب حفظ جان انسان‌ها بودن و تعدی نکردن به آن‌ها). همچنین لازم به ذکر است که کلیه ساحت‌های مختلف تربیت، اعم از تربیت شناختی، عقلانی، اعتقادی-عبادی، اجتماعی، سیاسی، انقلابی و اخلاقی-رفتاری در یک نظام متحد، منسجم و یکپارچه قرار می‌گیرند؛ لذا شهید سلیمانی در ابعاد بینشی، گرایشی و کنشی، الگوی تربیتی شایسته‌ای برای همگان هستند.

واژگان کلیدی: الگودهی، شاخص‌های شخصیتی، شهید سلیمانی، رهبر معظم انقلاب اسلامی.

۱. استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

m.brahman@yahoo.com

znm1390@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

بیان مسئله

در بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران و به‌خصوص جوانان، به‌منابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی»، ضرورت ایصال به تمدن‌سازی و ایجاد زمینه مساعد برای ظهور حضرت حجت - ارواحنا فداه - تبیین شده است. هدف نهایی انقلاب اسلامی، رسیدن به تمدن نوین اسلامی دانسته شده است (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷). زیرساخت اصلی هر تمدنی، منابع انسانی آن است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱)؛ لذا برای دستیابی به هدف یادشده، رشد و پرورش نسل انقلابی، بیش‌از پیش، ضروری به‌نظر می‌رسد.

یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی، سرمشوق‌دهی و به‌دست‌دادن الگوی شایسته است و تربیت ابتدایی انسان به‌صورت طبیعی با استفاده از روش الگویی شکل می‌گیرد. کودک در چند سال نخست زندگی، در همه افعالش از الگوهای پیرامون خود پیروی می‌کند. در این روش، برای ترغیب کودک به عمل یا تداوم آن و آراسته‌شدن او به صفتی پسندیده و نیکو، نمونه‌ای عینی و قابل تقلید دربرابرش قرار می‌گیرد تا وی آن را بپذیرد و بکوشد تا همانند آن الگوی مطلوب شود. این روش به‌دلیل قابل مشاهده بودن آن و نیز گرایش ذاتی انسان به الگوگیری، بسیار مؤثر و سریع برای تربیت است. بهترین مفاهیم و رساترین اندیشه‌ها در قالب نمونه‌ای عینی، به‌شکل بهتری درک و تصدیق می‌شوند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶، ص. ۲۴۳).

از دیرباز، در جوامع مختلف، نقش الگوها در تربیت، مورد توجه پیامبران، فیلسوفان، اندیشمندان، معلمان، والدین و دیگر مربیان بوده است. وجودداشتن الگوهای مناسب و محبوب، آشنایی با آن‌ها و تبیین صحیحشان در جامعه، افراد را به‌سوی آن الگوها سوق می‌دهد و به الگوبرداری از مکارم اخلاقی ترغیب می‌کند. از آنجا که یکی از مهم‌ترین ارکان تربیت، الگوپذیری است، فرد با انتخاب یک الگوی مناسب می‌تواند از طریق اقتداکردن به وی در مسیر کمال گام بردارد. علاوه‌بر الگوهای مشهود که محیط تربیتی مساعدی را ایجاد می‌کنند، اسوه‌های اخلاقی و انسانی مؤثر در طول تاریخ ملت‌های گذشته نیز می‌توانند مسیر هدایت و حیات معنوی را کمال مضاعف بخشند و نقشی مؤثر در سازندگی انسان‌ها ایفا کنند. ترسیم چهره‌ای دقیق، کاربردی و درعین حال، محبوب از اسوه‌ها برای همگان، بخشی

وسیع از نیازهای انسان در محیط ذهنی و اجتماعی را پاسخ می‌دهد که به تدریج، شخصیت افراد را خلق می‌کند.

در روش الگودهی، دو گام مهم و اساسی وجود دارد: نخست، انتخاب الگوی شایسته و مناسبی که دارای معیارهای موردنظر برای الگوگیری باشد؛ دوم، معرفی صحیح و مناسب الگوی موردنظر به مخاطب تا بتواند به بهترین وجه از او الگو بگیرد.

در قرآن کریم، در موارد متعددی الگوهای الهی معرفی شده‌اند؛ چنان‌که در این آیه شریفه که صریح‌ترین کلام الهی در این زمینه به‌شمار می‌آید، پیامبر گرامی اسلام (ص) به‌عنوان اسوه حسنه معرفی شده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱)؛ همچنین حضرت ابراهیم (ع) و پیروانش سرمشقی نیکو برای مؤمنان و طالبان لقاء پروردگار معرفی شده‌اند (ممتحنه، ۴-۶). در آیات متعدد دیگر، زندگانی پیامبران و بندگان صالح خدا در قالب داستان‌هایی تصویر شده که حاکی از اهمیت پیروی و الگوبرداری از اسوه‌های الهی در این کتاب آسمانی است.

در تحلیل اثرپذیری انسان از الگو می‌توان گفت انسان به‌دلیل کمال‌خواهی، اهدافی را در زندگی برای خود تصور می‌کند و وقتی با الگویی روبه‌رو می‌شود و کمال مطلوب خویش را در او می‌یابد، از نظر عاطفی، نوعی قرابت و هماهنگی بین خود و الگو می‌بیند. از سوی دیگر، احساس نیاز به آن کمال موجود در الگو، سراسر وجود الگوپذیر را فرامی‌گیرد. این دو عامل، یعنی هماهنگی عاطفی با الگو و احساس نیاز به او باعث می‌شوند الگوپذیر به دنبال الگو برود. در چنین موقعیتی انسان به‌دلیل اثرپذیری از محیط بیرونی، با بهره‌گیری از میل به تقلید، تحت تأثیر الگو قرار می‌گیرد و می‌کوشد رفتار خویش را با الگو همانند کند؛ به دیگر سخن، الگوپذیر، الگو را مصداقی خارجی و عینی برای اهداف و آرزوهای خویش می‌بیند و آرزوهای خود را امکان‌پذیر و تحقق‌یافتنی می‌یابد؛ نه خیالی و افسانه‌ای؛ از این روی، به دنبال الگو می‌رود تا با بهره‌گیری از او به کمال مطلوب خویش دست یابد (موسوی دره‌بیدی، ۱۳۹۶).

علاوه‌بر کمال، جامعیت الگوها نیز در این اثرگذاری، نقشی مهم دارد؛ بدان معنا که اگر الگوها هم در ابعاد مختلف، صلاحیت داشته باشند و هم در جهات گوناگون، از ویژگی‌های لازم برخوردار باشند، جاذبه و تأثیر بیشتری خواهند داشت. امیرالمؤمنین (ع) بدین صورت،

مؤمنان را به پیروی از اهل بیت پیامبر (ص) سفارش کرده‌اند: «انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سمتهم، واتبعوا اثرهم، فلن یخرجوکم من هدی و لن یعودوکم فی ردی فان لبدوا، فالبدوا، وان نهضوا، فانهضوا و لا تسبقوهم فتضلوا، و لا تاخروا عنهم فتهلکوا» (نهج البلاغه، خطبه ۹۷)؛ یعنی:

به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند، بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتتان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند، بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آن‌ها پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان پس نمانید که تباه می‌گردید. در روند این اثرگذاری، دست کم دو مسئله، ضروری به نظر می‌رسد: نخست، اینکه الگو واجد نقطه‌ای مثبت از نظر مرتبی باشد؛ دوم، اینکه وضعیت نفسانی مرتبی، دارای آمادگی روحی و روانی لازم برای پذیرش باشد. در این موقعیت، اگر هر الگویی، حتی الگوی نامناسب به مرتبی عرضه شود، وی از آن پیروی می‌کند؛ به همین سبب باید الگوهای صادق و برخوردار از کمال مطلوب به او عرضه شود.

روش الگویی برخلاف برخی روش‌ها که در محیط یا مقطع سنی خاصی کاربرد دارند، در محیط‌ها و مقاطع سنی مختلف، قابل استفاده و ثمربخش است و به دلیل همین وسعت دامنه کاربرد آن اهمیت فراوان دارد. استفاده از روش الگویی، از دوران کودکی آغاز می‌شود و والدین و مربیان باید تا آنجا که می‌توانند، سعی کنند با عملکرد صحیح خویش، کودکان را به راه راست و سعادت رهنمون شوند؛ چون زبان عمل از زبان سخن، بسیار گویاتر و نافذتر است. کودکان در تمام اوقات شبانه‌روز از رفتارهای کلامی و کنشی الهام می‌گیرند و رفتارهای خوب و بد را تقلید می‌کنند؛ لذا والدین باید ابتدا خودشان را اصلاح کنند و برای فرزندان خویش بهترین الگو باشند و سپس از طریق پند و نصیحت، داستان و... آنان را با خوب و بد زندگی آشنا کنند. والدین زمانی می‌توانند بر کودکان اثر بگذارند که افکار، گفتار و رفتار خودشان همگون و هماهنگ باشد؛ چون کودکان بیشتر از عملکرد والدین اثر می‌پذیرند تا سخنان و نصایح آنان. در یادگیری مشاهده‌ای، ویژگی‌های الگو برای کودکان و نوجوانان اهمیت فراوان دارد. هر قدر الگوهای بزرگسال برای کودکان، مطلوب‌تر، محبوب‌تر و جذاب‌تر باشند، این اثرپذیری بیشتر و پایدارتر می‌شود. کودکان رفتار الگوهای مطلوبشان را بسیار دوست دارند و مایل‌اند با آنان همانندسازی کنند و رفتاری همسان با رفتار الگوهای خود داشته باشند. در روایات و سیره اهل بیت (ع) به این‌گونه الگودهی اشاره شده است؛

مثلاً پیامبر گرامی اسلام (ص) اهل بیت خود را به مردم معرفی کرده و به تبعیت از ایشان فراخوانده و تا آنجا پیش رفته‌اند که آنان را به سفینه نجات و کشتی نوح تشبیه کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۲۳، ص. ۱۲۰).

الگوگزینی در نهاد انسان‌ها نهفته است. چنانچه الگوهایی شایسته به فرزندان معرفی نشود، آن‌ها خود برای یافتن الگوی دلخواهشان اقدام خواهند کرد و با توجه به حجم‌های فرهنگی، احتمال انتخاب الگوهای غیرداخلی و متضاد با ارزش‌های اسلامی افزایش خواهد یافت. هم‌اکنون، این مسئله به قدری در جامعه ما چشمگیر است که مشاهده می‌کنیم بسیاری از نوجوانان و جوانان، شخصیت‌های بی‌هویت خارجی و گاه نامتناسب با فرهنگ جامعه را الگوی رفتاری خود قرار می‌دهند؛ اما درباره قهرمانان ملی و شهدای کشور، شناخت کافی ندارند.

سرباز وفادار انقلاب، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از اسطوره‌های ماندگار اسلامی - ایرانی و از قهرمانان ملی کشورمان محسوب می‌شود که شایستگی‌های بی‌نظیر فردی، معنوی و رفتاری فراوان دارد (موسوی، ۱۳۹۸، ص. ۷۶) و با اتکا به ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های تعاملی و مدیریتی خود توانسته است به سطحی عالی از نفوذ اجتماعی در میان آحاد مردم، جبهه مقاومت و حتی آزادگان جهان دست یابد (روح‌اللهی، ۱۴۰۰، ص. ۷). در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی و گرایش یافتن نوجوانان و جوانان ایرانی به شناخت این شهید والامقام، الگوگیری از وی به‌میزانی چشمگیر افزایش یافته است.

به‌فرموده مقام معظم رهبری (۱۴۰۰)، یکی از حقایق بسیار برجسته در جامعه ما این است که سردار سلیمانی به الگویی برای مردم تبدیل شده است و امروزه، بسیاری از جوانان دنیای اسلام، تشنه حضور قهرمان‌هایی همچون این شهید والامقام‌اند؛ به‌گونه‌ای که هر قدر نام و یاد او بیشتر منتشر می‌شود، علاقه و اشتیاق این افراد به داشتن چنین قهرمان‌هایی در کشورهای خودشان افزایش می‌یابد. شهید سلیمانی، قهرمان ملت ایران به‌شمار می‌آید؛ زیرا ملت ایران داشته‌های فرهنگی، معنوی و انقلابی، و ارزش‌های خودش را در وجود او متبلور و مجسم دیده است (۲۶/۹/۹۹).

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش عبارتند از: جوادی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه خود نتیجه گرفته است مؤلفه‌های تربیتی مکتب شهید سلیمانی را به چهار دسته دینی، اخلاقی و شخصیتی، اجتماعی و سیاسی می‌توان تقسیم کرد. سعیدی رضوانی، غلامی و محبی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با استفاده از روش پدیدارشناسی و مصاحبه با دانشجویان پسر دانشگاه فردوسی مشهد، نتیجه گرفته‌اند شخصیت سردار سلیمانی، ظرفیتی قابل توجه به‌منظور الگوسازی تربیتی برای نسل نوجوان و جوان دارد. دهقانی پوده و امین پاشایی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای در پی بررسی کتابخانه‌ای زندگی‌نامه، سخنرانی‌ها، یادداشت‌ها و وصیتنامه سردار و همچنین مصاحبه با افراد صاحب‌نظر، مکتب این شهید والامقام را دارای پنج بُعد معنوی و ارزشی، فردی و رفتاری، فرماندهی و مدیریتی، نظامی و تأثیرگذاری عملکردی دانسته‌اند که در نهایت، نتیجه آن، سعادت و شهادت است. محمدظاهری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای کوشیده است الگوی مدیریتی مطلوبی را برای مدیران عالی کشور ترسیم کند و بر این اساس، مبانی اعتقادی را در سطح چهارم، زمینه‌های فردی را در سطح سوم، مشی‌های مختلف را در سطح دوم و زمینه‌های شغلی را در سطح نخست قرار داده است. رضاییان (۱۳۹۹) در مقاله‌ای گفته است هرگاه انسان از مدار فردیت خارج شود و ظرفیت وجودی‌اش به اندازه‌ای گسترش یابد که به‌گونه‌ای قابل توجه در مسیر کمال بر نفوس انسان‌ها اثر بگذارد، به یک مکتب تبدیل می‌شود؛ سپس ویژگی‌های شهید سلیمانی را شامل ایمان به خدا، اخلاص، ساده‌زیستی، ولایتمداری، مبارزه با استکبار، دفاع از مظلومان، فراجناحی‌بودن و محبوبیت جهانی برشمرده است. عباس‌زاده (۱۳۹۹) در مقاله‌ای مؤلفه‌های تربیتی مکتب شهید سلیمانی را با استفاده از روش تحلیل مضمون برشمرده و با مراجعه به محتوای موجود از زندگی او برخی مضامین تربیتی آن را استخراج کرده است.

در مجموع، بررسی پژوهش‌هایی که مرتبط با موضوع این مقاله انجام شده‌اند، نشان می‌دهد درباره شاخص‌های شخصیتی این شهید والامقام به‌منظور الگوسازی در تربیت نسل ازدیدگاه رهبر معظم انقلاب، تحقیقی صورت نگرفته است. در این نوشتار برای شناخت الگوی مناسب به بیانات مقام معظم رهبری به‌عنوان فردی فقیه و متخصص درحوزه

دین‌شناسی مراجعه کرده‌ایم؛ زیرا ایشان هم الگوهای خوب را معرفی کرده و هم آن‌ها را به صورت دقیق توصیف کرده‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی انجام گردید. مطالعه عمیق، تلخیص اطلاعات، استخراج مضامین اصلی و برقراری ارتباط بین مضامین به دست آمده، گام‌ها و مراتب تحلیل محتوای استقرایی در این پژوهش بود (مؤمنی راد، علی‌آبادی، فردانش، و مزینی، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۶-۲۰۸).

در این روش، ابتدا تحلیل داده‌ها با خواندن مکرر بیانات رهبر معظم انقلاب برای غوطه‌ور شدن در آن‌ها و یافتن درکی کلی آغاز شد؛ سپس تمام جملات معنادار استخراج شدند و خوانش کلمه‌به‌کلمه متون صورت گرفت تا مؤلفه‌های شخصیتی سردار سلیمانی استخراج شوند. در گام بعد، به هر کدام از داده‌های معنایی، یک کد یا برچسب (ساحت تربیتی) اختصاص یافت و پس از آن، مؤلفه‌ها براساس اشتراکشان تحت یک مقوله یا طبقه (ساحت‌های اصلی تربیتی) دسته‌بندی شدند. در گام بعد، به‌ازای هر مفهوم، شواهدی از متن نقل شد و در نهایت، شاخص‌های شخصیتی سردار سلیمانی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ذیل ساحت‌های اصلی تربیتی طبقه‌بندی و جهت الگوسازی در تربیت بررسی شد.

۱. الگودهی براساس شاخص‌های شخصیتی

انسان، موجودی دارای ابعاد و ساحت‌های مختلف است و بینش‌ها، گرایش‌ها و توانایی‌های مختلفی دارد. تعلیم و تربیت، فرایندی به‌منظور ایجاد، شکوفایی، تصحیح، تقویت، تعدیل و هدایت بینش‌ها، گرایش‌ها، و استعدادها و توانایی‌های انسان در ابعاد مختلف روح و بدن برای رسیدن به کمال مطلوب است و بنابراین، با همه این ابعاد و ساحت‌ها سروکار دارد.

این فرایند با هدف قراردادن شکوفایی استعدادها و توانمندی‌ها باید درصدد رفع انواع این کاستی‌ها برآید و در هر سه حوزه بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها هدف عام خود را دنبال کند؛ بر این اساس می‌توان تعلیم و تربیت را به سه ساحت بینشی، گرایشی و رفتاری تقسیم کرد. از سوی دیگر، ساحت‌های بینشی، گرایشی و رفتاری گرچه به‌لحاظ نظری از یکدیگر قابل تفکیک هستند، در عمل کاملاً با هم ارتباط دارند؛ به‌گونه‌ای که رفتارها براساس بینش‌ها

و گرایش‌ها شکل می‌گیرند و گرایش‌ها نیز براساس بینش‌ها ایجاد می‌شوند؛ بنابراین، آنچه موضوع بینش قرار می‌گیرد، چه بسا موضوع گرایش و رفتار نیز باشد. آگاهی و شناخت (بینش) به‌تنهایی موجب پیدایش انگیزه (گرایش) و عمل (کنش) نمی‌شود؛ زیرا علم و آگاهی همانند استعداد و نیرویی است که در خفا به‌سر می‌برد و برای شکوفایی، تحقق و فعلیت یافتن آن، وجود عواملی ضرورت دارد. ازجمله عوامل لازم برای تحقق و تقویت آگاهی و شناخت که موجب شکوفایی و تکوین گرایش می‌شود، تکرار و تقلید از الگو را می‌توان نام برد. الگودهی درکنار الگوبرداری و الگوزدایی از مهم‌ترین مباحث تربیت‌الگویی به‌شمار می‌آید. از آنجا که هدف از نگارش این مقاله، بررسی الگودهی به‌متریان است، در ادامه، آن را تبیین می‌کنیم:

الگوبرداری (سرمشق‌گیری) بر رفتار یادگیرنده (مشاهده‌کننده) چند اثر می‌گذارد: نخست، آنکه یادگیرنده ازطریق مشاهده‌کردن الگویی که برای انجام‌دادن برخی اعمال معین تقویت می‌شود، پاسخ‌هایی تازه را می‌آموزد؛ بدان معنا که اکتساب رفتارهای تازه ازطریق مشاهده و تقویت جانشینی صورت می‌گیرد؛ دوم، اینکه وقتی الگوی موردمشاهده به‌سبب انجام‌دادن یک عمل تنبیه می‌شود، انجام‌شدن این عمل ازسوی مشاهده‌کننده بازدارای می‌شود و بنابراین، بازدارای رفتار نیز از تنبیه جانشینی نشئت می‌گیرد؛ همچنین مشاهده‌کردن الگویی که فعالیتی ترس‌آور انجام می‌دهد، ممکن است به کاهش یافتن ترس مشاهده‌کننده از آن فعالیت بینجامد. کاهش ترس ناشی از مشاهده الگویی که بدون تنبیه‌شدن، فعالیتی ترسناک را انجام می‌دهد، بازدارای زدایی نام دارد. علاوه‌بر آنچه گفتیم، الگو می‌تواند در مشاهده‌کننده، پاسخی را برانگیزد که وی قبلاً آن را آموخته است و هیچ‌گونه بازدارای برای آن وجود ندارد. در این حالت، یادگیری مشاهده‌ای یا الگوبرداری، انجام‌دادن رفتار از قبل آموخته‌شده را آسان می‌کند و به همین علت، این فرایند، آسان‌سازی نامیده می‌شود. الگوبرداری می‌تواند آفرینندگی را نیز در یادگیرندگان تحریک کند و این کار ازطریق مشاهده‌کردن الگوهایی صورت می‌گیرد که به راه‌های آفریننده اعمال مختلفی را انجام می‌دهند یا به موقعیت‌های معمولی، پاسخ‌های تازه و غیرمرسوم می‌دهند. از اصول یادشده در ایجاد روش‌ها و فنون تغییر رفتار و رفتاردرمانی استفاده می‌شود. در اینجا روش‌ها و فنون تغییر رفتار و رفتاردرمانی مبتنی بر الگوبرداری را به دو دسته کلی تقسیم می‌کنیم: نخست، روش‌های ایجادکردن و افزایش دادن

رفتارهای مطلوب؛ دوم، روش‌های کاهش‌دادن و حذف‌کردن رفتارهای نامطلوب (سیف، ۱۳۸۷).

مقصود از الگودهی، عرضه‌کردن الگوهای مثبت و حقیقی است؛ یعنی الگوهایی که در خارج تحقق یافته‌اند و می‌توان آن‌ها را مشاهده کرد. این فرایند به دو صورت اتفاق می‌افتد: الف) عرضه‌کردن الگو از خود: در این شیوه، مربی رفتار و صفات مطلوب را عملاً در رفتار خود منعکس می‌کند. مربی درمقام عمل باید الگویی تمام‌عیار برای متربی باشد؛ زیرا متربی، قول و فعل مربی را هماهنگ با یکدیگر می‌بیند و نظریه و عمل را با هم تجربه می‌کند. در تبیین این حالت می‌توان این حدیث از امام صادق (ع) را ذکر کرد که فرموده‌اند: «کونوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلَسِتِّکُمْ لَیْرُوا مِنْکُمُ الْوَرَعَ وَ الْاِجْتِهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ الْخَیْرَ. فَإِنَّ ذَلِکَ دَاعِیَةٌ؛ یعنی: «فراخوانندگان مردم [به کار خیر] باشید با غیر زبان‌هایتان تا ببینند از شما تقوا و کوشش و نماز و خیر را. پس همانا آن، فراخواننده [تر از گفتار] است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج. ۲، ص. ۸۳، حدیث ۱۴). در این حدیث گران‌قدر، امام (ع) تقوای عملی، کوشش، نماز و کارهای خیر را هدایتگر دانسته و از انسان‌ها خواسته‌اند با غیر زبان خود، مردم را به سوی حق و کار خیر دعوت کنند؛ زیرا بهترین مربی و سرمشق، کسی است که رفتارش گفتار وی را تأیید کند. از این طریق، صداقت مربی برای متربی اثبات می‌شود و هرگونه شک و تردید متربی برای الگوبرداری از بین می‌رود.

ب) عرضه‌کردن الگو از دیگران: در این شیوه، مربی افرادی را که می‌توانند الگو باشند، به متربیان معرفی می‌کند. بدین منظور، مربی می‌تواند به دو گونه عمل کند: نخست، آنکه تلاش کند تا متربی بتواند الگو را به صورت زنده و درحال انجام‌دادن اعمال و رفتارهای مطلوب ببیند یا نتیجه یک صفت و خصلت نیکو را مشاهده کند؛ دوم، آنکه الگوهایی مطلوب را که به‌ظاهر از دید مربی پنهان‌اند؛ ولی در گذشته تحقق خارجی داشته‌اند و سنت و روش زندگی‌شان در جامعه رونق و درخشش خاص داشته است، به متربی معرفی و خصوصیات شخصیتی و سیره فردی و اجتماعی آن‌ها را برای وی تبیین کند. نمونه‌های این‌گونه روش الگویی را در قرآن کریم و روایات اهل‌بیت (ع)، فراوان می‌توان یافت.

هم در قرآن کریم و هم در روایات و سیره اهل‌بیت (ع)، به این‌گونه الگودهی اشاره شده است؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام (ص) اهل‌بیت خود را به مردم معرفی کرده و همگان را

به تبعیت از آنان فراخوانده‌اند؛ به گونه‌ای که آن‌ها را به سفینه نجات و کشتی نوح تشبیه کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۱۲۰). امیرالمؤمنین (ع) نیز پس از رحلت نبی اکرم (ص) به همین گونه تربیت الگویی اشاره کرده و با معرفی حضرت رسول (ص) و خصوصیات ایشان فرموده‌اند: «وَ اقْتَدُوا بِهْدَى نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدَى وَ اسْتَنُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۲، ص. ۳۳۶)؛ یعنی: «به هدایت پیامبرتان اقتدا کنید؛ چراکه آن بهترین هدایت است و از سنت [و روش] او پیروی کنید که آن هدایت‌کننده‌ترین سنت است» (قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ص. ۲۵-۳۷). علاوه بر پیامبر (ص)، افراد دیگری نیز به عنوان الگو معرفی شده و در تاریخ اسلام هم کسانی به عنوان انصار در میان مردم، الگو بوده‌اند.

بنابراین، طبق روش دوم، والدین و مربیان می‌توانند در ساحت‌های تربیتی ذکرشده، سردار سلیمانی را فراتر از یک انسان، به عنوان مکتبی انسان‌ساز و الگو و قهرمانی ملی به متریان معرفی کنند. از طریق تبیین صحیح شاخص‌های شخصیتی این شهید و الامقام به نسل جدید می‌توان علاوه بر ایجاد شناخت و بینش درست و کامل در نسل جوان، انگیزه و گرایش مثبت را در آنان به وجود آورد که به کنش‌ها و رفتارهای شایسته در ساحت‌های مختلف تربیتی می‌انجامد.

۲. الگودهی از منظر رهبر معظم انقلاب

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات متعددی به موضوع بسیار مهم الگو و اسوه پرداخته و معتقدند:

الگو یک وسیله و معیار و میزانی است برای اینکه آن کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد، با آن الگو تطبیق داده شود. وقتی که سرمشق را می‌نویسند، الگو را می‌دهند به دست متعلم که تمرین بکند، معنایش این نیست که حتماً این متعلم خواهد توانست مثل آن خط یا مثل آن نقاشی یا مثل آن الگو را از آب دریاورد آخر کار؛ نه! می‌گوید به این سمت باید حرکت کنی؛ هدفت باید این باشد. ممکن است ما در حرکت به سمت این هدف و این الگو بتوانیم از ده درجه، دو درجه، سه درجه جلو برویم و بیشتر نتوانیم؛ اما باید در این جهت حرکت کنیم. شاخص ما باید این باشد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۶/۱۰/۸).

در جایی دیگر، ایشان فرموده‌اند:

الگو را نباید برای ما معرفی کنند و بگویند که این الگوی شماست. این الگوی قراردادی و تحمیلی، الگوی جالبی نمی‌شود. الگو را باید خودمان پیدا کنیم؛ یعنی در افق دیدمان نگاه کنیم و ببینیم از

این همه چهره‌ای که در جلوی چشممان می‌آید، کدام را بیشتر می‌پسندیم. طبعاً این الگوی ما می‌شود. من معتقدم که برای جوان مسلمان، به خصوص مسلمانی که با زندگی ائمه و خاندان پیامبر و مسلمانان صدر اسلام آشنایی داشته باشد، پیدا کردن الگو مشکل نیست و الگو هم کم نیست (بیانات در دیدار جمعی از جوانان، ۱۳۷۷/۲/۷).

۳. شاخص‌های شخصیتی شهید حاج قاسم سلیمانی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

تردیدی وجود ندارد که شهید سلیمانی، قهرمان ملت ایران است؛ زیرا ملت ایران، داشته‌های فرهنگی و معنوی و انقلابی، و ارزش‌های خود را در وجود او متبلور و مجسم دید (۱۳۹۹/۹/۲۶). رهبر معظم انقلاب پس از شهادت سردار سلیمانی درباره‌ی ایشان فرمودند: «باید به حاج قاسم عزیز و ابومهدی عزیز به چشم یک فرد نگاه نکرد؛ بلکه باید آن‌ها را یک مکتب، یک راه و یک مدرسه‌ی درس‌آموز دید» (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷). مکتب، مجموعه‌ی رهنمودهای کلی را در دو بُعد اندیشه و عمل دربر می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۶) و به بیان مختصر، الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی، اسوه‌ی مرکب از ایمان، علم و عدل است. منظور از این ایمان عبارت است از ایمان توحیدی خالص که هم بر ساختن شخصیت انسان‌ها و هم بر بناکردن جامعه و قواره‌ی عمومی آن اثر می‌گذارد و هم در عملکرد شخصی امتداد می‌یابد. به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب:

نمونه‌ی این الگو در شخصیت‌سازی‌هایی که در این سال‌ها در جمهوری اسلامی صورت گرفته، می‌تواند مشاهده شود. نمونه‌هایش شهدای بزرگ ما هستند تا این آخر، شهید قاسم سلیمانی است. الگوی اسلامی این است. شما با عملکرد خود تا می‌توانید این الگو را در چشم مردم جهان شیرین کنید و تبلیغ کنید آن را؛ برجسته کنید یا خدای نکرده به عکس، آن را از چشم‌ها بیندازید؛ بنابراین، خدمت در جمهوری اسلامی، این [طور] است؛ فقط صرف این نیست که ما با خدمت خودمان یک کمکی به آحاد بشر یا به جمع معینی یا به کشور می‌کنیم. مهم این است که ما با این کار خودمان، با این عملکرد خودمان، با این خدمت خودمان داریم در واقع، چهره‌ی اسلام را و الگوی اسلامی را نشان می‌دهیم و این الگو وجود دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹).

از جمله ویژگی‌های مهم شهید سلیمانی، تعهد و ایمان ایشان را می‌توان ذکر کرد. اصولاً وقتی ایمان با عمل صالح و روحیه‌ی جهادی همراه می‌شود، شخصیتی همچون سردار سلیمانی شکل می‌گیرد که حتی دشمنان مجبور می‌شوند وی را تحسین کنند (دیدار اقشار مختلف مردم با رهبر انقلاب ۱۳۹۸/۱۱/۱۶).

رهبر انقلاب، شجاعت و تدبیر را دو ویژگی شاخص این سردار شهید دانسته و فرموده‌اند: برخی شجاعت دارند؛ اما تدبیر و عقل لازم را برای به‌کاربردن شجاعت ندارند و برخی اهل تدبیرند؛ اما اهل اقدام و عمل نیستند... حاج قاسم از دفاع مقدس تا پایان عمر، با شجاعت به دل خطر می‌رفت؛ اما درعین حال، با تدبیر و فکر و منطق عمل می‌کرد و نه تنها در میدان نظامی، بلکه در میدان سیاست هم شجاعت و تدبیر توأمان داشت و سخنانش قانع‌کننده، منطقی و تأثیرگذار بود که بنده این واقعیت را بارها به دوستان فعال در عرصه سیاسی گفته‌ام. او شجاعت و تدبیرش را برای خدا خرج می‌کرد و اهل تظاهر و ریا اهل تظاهر و ریا و مانند اینها نبود. اخلاص خیلی مهم است. ماها تمرین کنیم در خودمان اخلاص را (بیانات در دیدار مردم قم با رهبر انقلاب، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸). شاخص‌های مطرح‌شده درخصوص شخصیت این شهید و الامقام را می‌توان در ساحت‌های تربیتی ذیل دسته‌بندی و تبیین کرد:

۱-۳. تربیت شناختی - عقلانی

در اندیشه اسلامی، پرورش یافتن جنبه‌های عقلانی برای سامان‌دهی به نظام فکری یا ایدئولوژی انسان اهمیت فراوان دارد؛ به گونه‌ای که برخی معتقدند یکی از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی، تکیه بر عقل و تأکید بر جنبه عقلانی است (شریعت‌مداری، ۱۳۸۲، ص. ۴۹)؛ البته بعد عقلانی که به‌عنوان یک استعداد در وجود آدمی نهاده شده است، به خودی خود شکوفا نمی‌شود؛ بلکه برای پیمودن منزل سعادت و راه تکامل به هدایت و تربیت نیاز دارد و بر این اساس، تربیت عقلانی به‌معنی ایجاد زمینه مناسب برای پرورش یافتن قوه تفکر انسان ضرورت می‌یابد (ملکی، ۱۳۷۹، ص. ۵۰۲).

۲-۳. تربیت اعتقادی - عبادی

این ساحت تربیتی، ناظر به خودشناسی، خداشناسی، ایمان‌داشتن به خداوند متعال، باورداشتن به معاد و نبوت و دیگر معتقدات دینی، انتخاب آگاهانه و اختیاری دین حق، التزام عملی آگاهانه و اختیاری به نظام معیار دینی در همه شئون زندگی (تقید اختیاری به احکام و ارزش‌های دینی، و اصول و آداب اخلاقی در زندگی) و خودسازی براساس نظام دینی (حفظ کرامت، خویشتن‌داری، تعدیل عواطف و تمایلات طبیعی، کسب فضائل اخلاقی و پیشگیری از تکوین رذایل غیراخلاقی) است. فطرت‌مداری، عقلانیت، مشارکت، انعطاف‌پذیری، فعال‌بودن، مسئله‌محوری و چندبعدی‌بودن، اساس رویکرد این ساحت را تشکیل می‌دهند (نوروزی‌نژاد و طباطبایی، ۱۳۹۹، ص. ۵۶).

۳-۳. تربیت اجتماعی - سیاسی - انقلابی

این ساحت تربیتی بر ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان و همسایگان)، تعامل با دولت و نهادهای مدنی و سیاسی (قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری، و مشارکت سیاسی و اجتماعی)، کسب دانش و اخلاق اجتماعی، و مهارت‌های ارتباطی (بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم سیاسی و اجتماعی، تفاهم بین‌المللی، حفظ وحدت و تفاهم ملی) ناظر است و اهدافی بدین شرح دارد: بازشناسی؛ حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه؛ درک موقعیت اجتماعی و سیاسی خود؛ توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران؛ آمادگی برای تشکیل خانواده و حفظ و تداوم آن؛ کسب شایستگی‌هایی نظیر رعایت‌کردن قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، و بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی. رویکرد این ساحت نیز عضویت فضیلت‌مداری در جامعه صالح است.

۳-۴. تربیت اخلاقی - رفتاری

تربیت اخلاقی را می‌توان عبارت از فرایند درونی‌شدن ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان براساس ویژگی‌های انسان کامل اخلاقی دانست. این ساحت تربیتی، مسیر گذار از وضعیت موجود، یعنی دامنه‌ای را که مبدأ حرکت انسان است، به سوی قله مطلوب هنجارهای اخلاقی بازمی‌نمایاند و به انسان کمک می‌کند تا سیمایی آرمانی از انسان اخلاقی را در وجود خویش پدید آورد. در یک کلام، تربیت اخلاقی، تحقق عینی مکارم اخلاق و تجلی آشکار همه آموزه‌هایی است که دانش اخلاق، انسان‌ها را بدان فرامی‌خواند (عالم‌زاده نوری، ۱۳۸۷).

۳-۵. شاخصه کل نگر

در این شاخصه، ساحت‌های مختلف تربیتی، اعم از تربیت شناختی، عقلانی، اعتقادی - عبادی، اجتماعی، سیاسی، انقلابی و اخلاقی - رفتاری در یک نظام متحد، منسجم و یکپارچه قرار می‌گیرند و درعین ارتباط یافتن با یکدیگر، ذیل یک مکتب واحد جای دارند.

جدول ۱. شاخص‌های شخصیتی سردار سلیمانی براساس بیانات رهبری

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها (ساحت‌های تربیتی)	برچسب‌ها و کدها (معیارهای الگویی سردار سلیمانی در بیانات رهبری)	جملات کلیدی (بیانات رهبری)
بیش	تربیت شناختی- عقلانی	اهل تدبیر بودن، اهل فکر و منطق بودن، بادرایت و هوشیاربودن	<p>۱. شهید سلیمانی هم شجاع بود، هم باتدبیر بود (۱۳۹۸/۱۰/۱۸).</p> <p>۲. باتدبیر بود؛ منطق داشت برای کارهایش (۱۳۹۸/۱۰/۱۸).</p> <p>۳. این مسئله بروز یک جریان به‌ظاهر مذهبی متمایل به یکی از فرقه‌ها و علیه مقاومت را ایشان مدت‌ها قبل پیش‌بینی کرد؛ بعد از مدتی داعش به‌وجود آمد. آدم بادرایت و باهوشی بود (۱۳۹۹/۹/۲۶).</p>
بیش	تربیت اعتقادی- عبادی	<p>اخلاص، صدق، و دوری از تظاهر و ریا؛ پیروزی درونی (جهاد اکبر)؛ حفظ تقوا و معنویات دفاع مقدس در سال‌های بعد؛ شهادت‌طلبی و مجاهدت در راه خدا</p>	<p>۱. یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت (۱۳۹۸/۱۰/۱۳).</p> <p>۲. اهل معنویت و اخلاص و آخرت‌جویی بود و اهل تظاهر نبود (۱۳۹۹/۹/۲۶).</p> <p>۳. اخلاص یعنی فقط برای خدا [کارکردن]. کارهای این شهید به‌معنای واقعی کلمه این روح را داشت؛ یعنی واقعاً با اخلاص کار می‌کرد. این را ما که با ایشان در کارهایش معاشر بودیم، می‌فهمیدیم (۱۴۰۲/۱۰/۱۰).</p> <p>۴. آن مردی که می‌رود جلوی دشمن و واهمه نمی‌کند و در همه میدان‌ها نه خستگی می‌فهمد، نه سرما می‌فهمد، نه گرما می‌فهمد، این اگر چنانچه در درون خودش در آن جهاد اکبر پیروز نشده بود، این جور نمی‌توانست جلوی دشمن برود (۱۳۹۸/۱۰/۱۳).</p> <p>۵. با اخلاص بود. این ابزار شجاعت و ابزار تدبیر را برای خدا خرج می‌کرد. اهل تظاهر و ریا و مانند این‌ها نبود. اخلاص خیلی مهم است (۱۳۹۸/۱۰/۱۸).</p>
کنش	تربیت اجتماعی- سیاسی- انقلابی	<p>بی‌پروایی از دشمن؛ دشمن‌شناسی؛ وفاداری به اسلام؛ انقلاب و انقلابیگری؛</p>	<p>۱. در راه خدا و انجام وظیفه و جهاد فی سبیل الله از هیچ چیز پروا نداشت. نه از دشمن پروا داشت، نه از حرف این و آن پروا داشت، نه از تحمل زحمت پروا داشت (۱۳۹۸/۱۰/۱۳).</p>

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها (ساحت‌های تربیتی)	برچسب‌ها و گد‌ها (معیارهای الگویی سردار سلیمانی در بیانات رهبری)	جملات کلیدی (بیانات رهبری)
			<p>۲. انقلاب و انقلاب‌گیری، خط قرمز قطعی او بود. این را تربیت‌شده برجسته بعضی‌ها سعی نکنند کم‌رنگ کنند! این واقعیت او است. ذوب اسلام و مکتب امام در انقلاب بود؛ انقلاب‌گیری خط قرمز او بود. به‌شدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (ره) بود (۱۳۹۸/۱۰/۱۸).</p> <p>۳. شهید سلیمانی نرم‌فزار مقاومت و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد (۱۳۹۹/۹/۲۶).</p> <p>۴. او نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود (۱۳۹۸/۱۰/۱۳).</p> <p>۵. به‌کمک ملت‌های منطقه یا با کمک‌هایی که به ملت‌های منطقه کرد، توانست همه نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیا را خنثی کند (۱۳۹۸/۱۰/۱۸).</p> <p>۶. نقش مهمی در زنده‌کردن جبهه مقاومت در منطقه دارد (۱۴۰۲/۱۰/۱۰).</p> <p>۷. جهادش جهاد بزرگی بود؛ خدای متعال شهادت او را هم شهادت بزرگی قرار داد (۱۳۹۸/۱۰/۱۳).</p>
کنش	تربیت اخلاقی	شجاعت، نماد امید و اعتماد به نفس بودن، تلاش بی‌وقفه در طول سالیان خدمت، ایثار و فداکاری، مراقب جان انسان‌ها بودن و پرهیز از تعدی به آن‌ها	<p>۱. سردار شهید سلیمانی کسی بود که با شجاعت مثال‌زدنی، در صفوف مقدم و در خطرناک‌ترین جایگاه‌ها حضور می‌یافت و شجاعانه می‌جنگید (۱۳۹۸/۱۰/۲۷).</p> <p>۲. دارای شجاعت و روحیه مقاومت بود (۱۳۹۹/۹/۲۶).</p> <p>۳. روحیه فداکاری و نوع دوستی داشت؛ یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند این‌ها مطرح نبود. نوع دوست بود. واقعاً انسان‌ها بودن و پرهیز از تعدی به آن‌ها حالت فداکاری برای همه داشت (۱۳۹۹/۹/۲۶).</p> <p>۴. مراقب بود که به کسی تعدی و ظلم نشود. به دهان خطر می‌رفت؛ اما جان دیگران را تا می‌توانست، حفظ می‌کرد (۱۳۹۸/۱۰/۱۸).</p>

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها (ساحت‌های تربیتی)	برچسب‌ها و کدها (معیارهای الگویی سردار سلیمانی در بیانات رهبری)	جملات کلیدی (بیانات رهبری)
پیش، گرایش و کنش	شاخصه کل‌نگر مکتبی (شخصیت جامع‌الاطراف توأمان در پیش، گرایش و کنش) حول محور توحید	تأکید بر تدبیر، منطق و شجاعت مدبرانه در میدان‌های مختلف؛ ملازمت ایمان و عمل در شخصیت فرد	۱. حاج قاسم از دفاع مقدس تا پایان عمر، با شجاعت به دل خطر می‌رفت؛ اما در عین حال، با تدبیر و فکر و منطق عمل می‌کرد (بیانات در دیدار مردم قم با رهبر انقلاب، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸). ۲. این شجاعت و تدبیر توأمان فقط در میدان نظامی هم نبود؛ در میدان سیاست هم همین جور بود (۱۳۹۸/۱۰/۱۸). ۳. شهید سلیمانی یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود؛ در عین حال، به شدت مراقب حدود شرعی بود (۱۳۹۸/۱۰/۱۸). ۴. شخصیت‌های ایمانی وقتی که ایمان را با عمل صالح همراه کنند، وقتی حرکت جهادی بکنند، محصولش می‌شود شخصیتی مثل شهید سلیمانی که حتی دشمنانش او را تحسین می‌کنند (۱۳۹۸/۱۱/۱۶). ۵. شهید سلیمانی به هردو حُسنین رسید: هم پیروز شد، هم به شهادت رسید؛ یعنی خدای متعال «کَلِمَاتِ الْحُسْنَيْنِ» را به این شهید عزیز داد (۱۳۹۸/۱۱/۲۹). ۶. در کارش خودنمایی نبود، تظاهر نبود، منیت نبود؛ برای خدا کار می‌کرد؛ برای خدا حرکت می‌کرد. به نظر من، این اخلاص است که این اجر دنیوی را این جور نمایان کرده. این را ما در مورد امام هم مشاهده کردیم (۱۴۰۲/۱۰/۱۰).

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، روش الگودهی به عنوان مهم‌ترین روش تربیتی شناسایی گردید. با توجه به مباحث مطرح‌شده در نوشتار پیش‌روی، والدین و مربیان برای پرورش دادن نسل تمدن‌ساز می‌توانند از روش عرضه‌کردن الگو استفاده کنند که از منظر منابع اسلامی مانند آیات قرآن و روایات برای تربیت کارآمد مورد توجه قرار گرفته و در علم روان‌شناسی نیز مطرح شده است.

در ادامه، دو گام اساسی در روش الگودهی معرفی می‌گردد: انتخاب الگوی مناسب و معرفی صحیح الگو برای گروه هدف؛ همچنین با توجه به اینکه رهبر معظم انقلاب در بیانات ارزشمند خود، معیارهای اسلامی و الگوهای مناسب برای پرورش‌دهی نسل تمدن ساز را معرفی و این شاخص‌ها و الگوها را به‌خوبی تبیین کرده‌اند، از بیانات ایشان استفاده کردیم و بدین ترتیب، شاخص‌های رفتاری شهید سلیمانی جهت الگودهی در بیانات رهبر معظم انقلاب بررسی شدند. مکتب شهید سلیمانی در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای - مَدَّ ظِلُّهُ الْعَالِی - ذیل مکتب اسلام ناب محمدی (ص) و مکتب بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) تعریف شده است و ایمان توحیدی خالص در مرکز آن قرار دارد.

پس از بررسی بیانات مقام معظم رهبری درباره شاخص‌های رفتار سردار سلیمانی، صفاتی را می‌توان برشمرد که در چهار ساحت تربیت عقلانی، اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و کل‌نگر طبقه‌بندی شده‌اند حول این ساحت‌ها صفاتی مانده‌ها، اهل تفکر بودن، منطقی بودن، باادرایت و هوشیار بودن، اخلاص و صدق، و دوری از تظاهر و ریا، پیروزی درونی (جهاد اکبر)، حفظ تقوا و معنویات دفاع مقدس در سال‌های بعد، شهادت‌طلبی و مجاهدت در راه خدا، دشمن‌شناسی، بی‌پروایی از دشمن، وفاداری به اسلام و انقلاب، انقلابیگری، تربیت‌شده برجسته اسلام و مکتب امام خمینی (ره) بودن، برخورداری از روحیه تعاون، خشتی‌کننده نقشه‌های دشمنان بودن، تعلیم‌دهنده مقاومت بودن، جهادگری بزرگ، شجاعت، نماد امید و اعتماد به نفس بودن، تلاش بی‌وقفه در طول سالیان خدمت، ایثار و فداکاری، مراقب جان انسان‌ها بودن و پرهیز از تعدی به آن‌ها قرار می‌گیرد. این صفات عموماً با یکدیگر ارتباط دارند و میان آن‌ها تعادل برقرار است.

در ساحت کل‌نگر، ساحت‌های مختلف تربیت، اعم از تربیت شناختی - عقلانی، تربیت اعتقادی - عبادی، تربیت اجتماعی - سیاسی - انقلابی و تربیت اخلاقی - رفتاری در یک نظام متحد، منسجم و یکپارچه حول محور توحید قرار می‌گیرند که درعین ارتباط داشتن با یکدیگر، ذیل یک مکتب واحد جای گرفته‌اند؛ لذا این شهید گران‌قدر در ابعاد بینشی و کنشی، شایسته تأسی هستند.

یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیق جوادی (۱۴۰۱) همسویی دارند؛ البته در تحقیق حاضر با تأکید بر مؤلفه‌های جامع شخصیتی، ساحت‌های بینشی و کنشی به‌صورت ویژه

بررسی شده‌اند؛ همچنین یافته‌های مقاله پیش‌روی با نتایج تحقیق سعیدی رضوانی، غلامی و محبی (۱۴۰۰) که شخصیت سردار سلیمانی را دارای ظرفیتی چشمگیر به‌منظور الگوسازی تربیتی برای نسل نوجوان و جوان دانسته‌اند، همسویی دارند؛ البته در پژوهش حاضر، درحوزه مؤلفه‌های جامع شخصیتی، اعم از مؤلفه‌های معنوی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و جامع‌الاطراف‌بودن، الگودهی شخصیت ایشان را بررسی کرده‌ایم؛ همچنین یافته‌های این مقاله با نتایج تحقیق محمدظاهری (۱۳۹۹) که در آن، بررسی الگوی مدیریتی شخصیتی این سردار شهید صورت گرفته است، در وجه مدیریتی، هم‌راستایی دارد که در تحقیق حاضر، دیگر وجوه مختلف آن نیز بررسی شده است.

منابع

- قرآن کریم (محمد مهدی فولادوند، مترجم).
- جوادی، فاطمه (۱۴۰۱). تبیین مؤلفه‌های مکتب تربیتی شهید حاج قاسم سلیمانی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). بیانات. قابل دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=.۴۱۶۷۳>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱). بیانات. قابل دسترسی در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=.۵۰۲۲۶>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir>
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). سیری در تربیت اسلامی. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- دهقانی بوده، حسین؛ و امین پاشایی، هولاسو (۱۳۹۹). تدوین الگوی فرماندهی شهید قاسم سلیمانی. مجله مدیریت اسلامی، ۲۸(۱۱۱)، ۱۳-۳۷.
- رضاییان، زهرا (۱۳۹۹). نگاهی به ویژگی‌های سردار مکتب‌ساز، حاج قاسم سلیمانی. مجله ره‌توشه، ۱(۱)، ۲۷۷-۲۸۹.
- روح‌اللهی، مهدی (۱۴۰۰). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های نفوذ اجتماعی در سبک رهبری شهید قاسم سلیمانی. فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۹(۲)، ۵-۴۲.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ غلامی، فاطمه؛ و محبی، محمد مهدی (۱۴۰۰). رهیافتی از الگوسازی تربیتی تا الگوپذیری از شهید سلیمانی از سوی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. دوفصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۹(۱۷)، ۲۳۳-۲۶۴.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۷). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.

- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). روان‌شناسی تربیتی. تهران: امیرکبیر.
- عالم‌زاده نوری، محمد (۱۳۸۷). انسان، تربیت و روان‌شناسی اخلاق. نشریه پگاه حوزه، ۶(۲۳۹).
- عباس‌زاده، روح‌الله (۱۳۹۹). مؤلفه‌های تربیتی مکتب شهید سلیمانی. دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی: مکتب شهید سلیمانی، الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز. تهران. قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲). روش الگویی در تربیت اسلامی. معرفت، ۱۲(۶۹)، ۳۷-۲۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدظاهری، محمد (۱۳۹۹). ارائه الگوی مدیریتی در تراز انقلاب برای مدیران عالی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر سبک مدیریتی شهید سپهبد قاسم سلیمانی. فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۸(۱)، ۴۶-۲۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۵). تعلیم و تربیت (چاپ ۸). تهران: الزهرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. تهران: صدرا.
- ملکی، حسین (۱۳۷۹). تربیت عقلانی در نهج البلاغه و دلالت‌های آموزشی آن. نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۱(۴)، ۵۰۲.
- موسوی، سید محمد (۱۳۹۸). مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در دفاع از حریم اهل‌بیت. نشریه مطالعات بیداری اسلامی، ۸(۱۵)، ۷۵-۱۰۰.
- موسوی دره‌بیدی، عبدالله (۱۳۹۶). نگاه مقایسه‌ای مبانی انسان‌شناسانه تربیت از منظر قرآن و اومانیسم. (پایان‌نامه سطح سه). حوزه علمیه قم.
- مؤمنی راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم؛ و مزینی، ناصر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار پژوهش. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۴(۱۴)، ۲۰۶-۲۰۸.
- نوروزی‌نژاد، محمد؛ و طباطبایی، مینو (۱۳۹۹). رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش. فصلنامه بین‌المللی میان‌رشته‌ای و بین‌الادیانی، ۷(۲۱)، ۶۳-۳۵.